

ادبیات داستانی جهان برای نوجوانان

سپید دندان

جک لندن

ترجمه : محمد شاطرلو

سرشناسه	: لندن، جک، ۱۸۷۶-۱۹۱۶م.
عنوان و نام پدیدآور	: London, Jack
مشخصات نشر	: سپید دندان/ جک لندن؛ ترجمه محمدشاطرلو.
مشخصات ظاهری	: تهران : یزدانپار، ۱۳۸۹.
فروست	: ۱۵۹ص.
شابک	: ادبیات داستانی جهان برای نوجوانان.
	: ۲۵۰۰۰ ریال: ۱-۱-۹۱۸۴۸-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	: قیفا
یادداشت	: عنوان اصلی: White Fang
یادداشت	: کتاب حاضر در سالهای مختلف توسط مترجمان و ناشران متفاوت منتشر شده است.
موضوع	: داستانهای آمریکایی -- قرن ۲۰م.
شناسه افزوده	: شاطرلو، محمد، ۱۳۲۰ - مترجم
رده بندی کنگره	: ۲۵۳۵PS الف ۱۳۸۹ س ۳/ن۴
رده بندی دیویی	: ۸۱۲/۵۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۸۷۷۶۲۲



نام کتاب : ادبیات داستانی جهان برای نوجوانان -- سپید دندان

نویسنده : جک لندن

مترجم : محمد شاطرلو

ناشر : انتشارات یزدانپار

نوبت چاپ : اول ۱۳۹۳

تیراژ : ۲۰۰۰ جلد

چاپ : چاپ حیدری

شابک : ۱-۱-۹۱۸۴۸-۶۰۰-۹۷۸

قیمت : ۵۰۰۰۰ ریال

آدرس پخش : خ کارگر جنوبی خ آذربایجان پ ۳۲۶ واحد ۶ تلفن : ۶۶۹۲۳۰۳۱-۶۶۹۲۹۵۱۵

بیشگفتار

«جان - گریفیث - لندن John Griffith London» مشهور به «جک لندن» در ۱۸۷۶م. در خانواده‌ای آمریکایی در سانفرانسیسکو کالیفرنیا دیده به جهان گشود. مادرش آمریکایی و پدرش - جان لندن - یکی از شکارچیان کالیفرنایی بود.

جان بر اثر فقر، دوران کودکی را با ولگردی و آوارگی در کوچه‌ها سپری کرد. هنوز خیلی کوچک بود که در کشت‌زاری به کار پرداخت، اما چندی بعد، روح سرکش و نا آرامش او را دوباره آواره کوچه‌ها و خیابان‌ها کرد.

بی‌توجهی پدر و مادرش به تعلیم و تربیت او، و دور بودن از محیط آموزشی سالم، وی را فردی مجرم و خلافکار ساخته بود، به‌طوری‌که چندین بار به جرم تکدی، جیب‌بری و دزدی روانه زندان شد. هر چند مدت به کاری مشغول می‌شد، ولی خیلی زود آن را رها می‌ساخت و از آن خسته می‌گردید.

فقر مادی خانواده به حدی بود که مانع رفتن او به مدرسه شده بود، و به همین دلیل، خواندن و نوشتن را خیلی سطحی، با فشار پدر و مادرش و نزد آن‌ها فرا گرفت. این آموزش غیر علمی و تحمیلی، چنان در او اثر منفی گذارد که از تحصیل روی گردان شد، تا بدان‌جا که تمسخر شدید دوستانش را پذیرا بود، ولی تن به تحصیل نمی‌داد. جک در این موقع چند کتاب به دست آورد که از میان آن‌ها کتاب

قصر الحمراء اثر «واشینگتن ایروینگ Washington Irving»^۱ نظرش را بیشتر جلب کرد و بارها آن را خواند و با الهام از آن ماکتی آجری از قصر الحمراء با تمام جزئیاتش برای خود ساخت، ولی افسوس کسانی که آن را می‌دیدند درک شناخت شاهکار کودکانهٔ جان را نداشتند.

جان پازده ساله بود که همراه خانواده‌اش به «اوکلند Oakland» در ساحل اقیانوس کیپر نقل مکان کرد. در آنجا، خود را به روزنامه‌فروشی سرگرم کرد، اما خیلی زود، این کار را رها کرد و خانه و خانواده‌اش را ترک گفت و به گروه جیب‌برها و ولگردها پیوست.

دیگر بار به زندان افتاد و پس از پشت‌سر گذاشتن دوران زندان به کار در کشتی‌هایی که برای صید مروارید و صدف و نهنگ می‌رفتند، پرداخت و مسافرت‌های زیادی با اقصای نقاط جهان به ویژه سواحل ژاپن کرد. در این سفرها با رنج‌ها و دشواری‌های فراوانی روبه‌رو شد، و با آن‌که تجربه آموخته شده بود، ولی غرور و سرکشی عنوان جوانی مانع از آن بود تا جان جوان حقیقت زندگی را دریابد. به همین دلیل زندگی برایش بی‌ارزش بود و روزگارش را در فقر و تنگدستی می‌گذراند.

پس از بازگشت به آمریکا و خانواده، چون جوان پرقدرت و قوی بود، در اسکله به شغل بارانداز مشغول به کار شد. گونی‌های زغال را بر پشت عربان خود می‌گذارد و از کشتی به انبارها حمل می‌کرد. مدتی بعد، به عنوان کارگر یک کارخانهٔ گونی‌بافی استخدام شد و روزی دوازده ساعت کار می‌کرد.

جان انجام کارهای بدنی را وظیفه‌ای بزرگ برای انسان می‌دانست و معتقد بود که کار حاصل پاکی و تقوی و مایهٔ رستگاری است. جان نخستین کارهای ادبی خود را در این کارخانه در ساعات

۱- واشینگتن ایروینگ (۱۸۵۹ - ۱۷۸۳ م.) نویسنده و مورخ مشهور آمریکایی است که مسافرت‌های زیاد به اروپا نمود و مدت‌ها در انگلستان و اسپانیا زندگی کرد. ایروینگ با نثری بسیار روان و شیوا کتاب‌هایی چند نوشت که می‌توان قصر الحمراء را شاهکار وی دانست.

استراحت، نوشت. در این زمان یکی از روزنامه‌های سانفرانسیسکو جایزه‌ای برای بهترین مقاله دربارهٔ مناظر طبیعت که از دو هزار کلمه بیشتر نباشد، تعیین کرد.

جان به تشویق مادرش مقاله‌ای تحت عنوان «طوفانی سهمگین در سواحل ژاپن» یک شب نوشت، و چون آن را پذیرا نشد، شب بعد دوباره نوشت و بالاخره از به هم درآمیختن دو نوشته، مقالهٔ موردنظر خود را نوشت. پس از رأی قضات، مقالهٔ وی جایزهٔ اول را برد و جایزه‌های دوم و سوم به دو دانشجو داده شد.

پس از این موفقیت او کوله‌بار خود را بست و رو به سیاحت نهاد و تمامی قارهٔ امریکای شمالی را پیاده طی کرد، سپس به کانادا رفت و در آن جا برای مدتی به اتهام ولگردی به زندان افتاد.

در ۱۸۹۵ در نوزده سالگی، به اوکلند بازگشت و سرایدار یکی از مدارس متوسطه شد. روزی بر حسب اتفاق و فقط برای وقت گذراندن، به کتابخانه‌ای رفت و در آن جا چشمش به کتاب «رابینسون کروزئه»^۱ افتاد. با خواندن داستان و شباهت وقایع آن با ماجراها و حوادث زندگی خودش، به شدت تحت تأثیر قرار گرفت. وی با شوقی وافر و رغبتی بسیار شروع به خواندن این کتاب کرد. زمان کار کتابخانه به سر آمد، اما او همچنان سرگرم خواندن کتاب بود و متوجه نبود که باید کتابخانه را ترک کند، تا این که کتابدار او را به اجبار وادار به ترک کتابخانه نمود.

از آن روز به بعد، جان با شور و هیجانی وافر روزانه بین ده تا پانزده ساعت از وقت خود را صرف مطالعهٔ کتاب‌های پرماجرا می‌کرد. رفته رفته، مطالعاتش رنگ علمی به خود گرفتند و با جدیت و پشتکار، در مدت سه ماه دورهٔ چهارسالهٔ تحصیلات دبیرستانی را به پایان رسانید و به دانشگاه وارد گردید. شاید رشتهٔ تحصیلی‌اش پاسخگوی خواست‌های بسیار و تا اندازه‌ای عجیب او نبود، و به همین دلیل دانشگاه را ترک کرد و به نویسندگی پرداخت.

با توجه به شرایط دوران کودکی و نزدیک بودن او با پدرش که از شکارچیان زبردست کالیفرنیا به شمار می آمد، و حوادث و مشکلات سفرهای او به نقاط مختلف و همچنین مطالعات بسیار درباره طبیعت و حیوانات به ویژه وحوش، او را به دنیای نویسندگی علاقه مند ساخت و داستان های تخیلی بی شماری نوشت.

در لابلای بیشتر داستان هایش، عصیان، عاطفه، خشونت، گستاخی، وفاداری و نوع دوستی به ویژه در قشر محروم جامعه، با بی پروایی و گاه نفرت به چشم می خورد. خمیر مایه داستان هایش، ارائه روحیه خود او است. گاه به حدی ماهرانه پیچ و خم ها و بالا و پایین های واقعی اجتماع خود را به تصویر می کشد که خواننده پذیرا می شود که نقش آفرین و بازیگران آن رویدادها کسی جز خود او نیست.

زمانی که از هم نروغان خود خسته می شود و از محبت و انسانیت آنان سرمی خورد، کمال عوالم بشری را در دنیای شیرین و گیرای حیوانات جستجو می نماید.

اگرچه در چنین مواردی به وضوح می بینیم که جک لندن با دانش و علم حیوان شناسی آشنایی کامل ندارد، به هر حال شناختی در حد تصویر سازی، از حقایق ظاهری و تا حدودی عوامل باطنی آنها را دارد.

جان چند سالی هم به آمریکا یافتن طلا، با تنی چند از دوستانش به «کلوندیک Klondike» در شمال، به جستجو سرگرم بود، اما از این کار هم نتیجه ای به دست نیاورد و حاصل تمام کوشش ها و تلاش هایش جز یأس و ناامیدی چیز دیگری نبود، و عاقبت به علت شیوع بیماری «اسکربوت Scurbut» مجبور گردید که با پشت سر گذاشتن چهار هزار کیلومتر راه به اوکلند، یعنی به خانه پدری بازگردد. بازگشت جان مصادف با مرگ پدر بود، و به این ترتیب بار سنگین اداره خانواده بر دوش او افتاد.

در ۱۹۰۰ «پسر گرگ» که اولین مجلد از مجموعه داستان های سرزمین طلا بود، چاپ و منتشر گردید و با استقبال همگان روبه رو شد.

جک لندن مدت هژده سال از عمر کوتاه چهل ساله اش را به رسیدگی پرداخت و توانست پنجاه و یک اثر بزرگ و یک صد و بیست و پنج داستان کوتاه بنویسد، و ثروت و شهرتی جهانی به دست آورد. جان کوچک بینوا در اواخر عمر کارش به جایی کشید که بیش از دو برابر حقوق رئیس جمهوری امریکا درآمد داشت.

از مشهورترین آثارش می توان: گرگ دریا، سپیددندان، پیش از آدم، آوای وحش، پاشنه آهنین، مارتین ایدن، جری در جزیره، دزدان خلیج، ندای جنگل، پسر گرگ، حماسه شمال، دوزخیان، ولگرد ستارگان، تب طلا، جزیره وحشت، آفتاب سوزان، در تلاش آتش، میکائیل سگ سیرک، پسر آفتاب، دختر برف ها، آشتی ناپذیر، عشق زندگی، کشتی شکسته ها و غیره... را نام برد.

جک لندن در چهل سالگی در روز بیست و سوم دسامبر ۱۹۱۶، بر اثر افراط در کار درگذشت، اما با آثار کم نظیر خود، نام خویش را جاودان ساخت.

«سپیددندان White Fang» بچه گرگی است که در بیابان های وحشی و پوشیده از برف شمال امریکا به دام آدمیان می افتد و رام می شود، و سرانجام در خانه قاضی «اسکات» زندگی جدیدی را شروع می کند. سپیددندان با کشتن «جیم هال»، انسانی که در دنیای متمدن به سبب عدم تربیت، به عالم وحش کشیده می شود، و نجات جان صاحب خویش، نمایشگر آن است که چگونه مظهر تو وحشی که گردن به تربیت داده است، رابطه مستقیم و بسیار حساسی با انسان های واخورده از اجتماع و فراری از تربیت دارد.

م. گ.